

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای تشکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۷۰ / سال هفتم / مرداد ماه ۹۷ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران





در این شماره می خوانید:

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۹

دیدگاه ما ص ۲۲

چرا صنایع فولاد و ورشکسته و نابود می شوند؟ ص ۲۵

به یاد پیشگامان سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران ص ۲۶

بنام دستهای زحمت کشیده ص ۲۸

سرنوشت «ارج» در انتظار کارخانه «بیک»؟ ص ۳۰

مشکلات بالارفتن ارز برای زحمتکشان ص ۳۱

فروپاشی اقتصادی و طبقات و پیرانگر آن ص ۳۲

آقای صدا و سیما! کارخانه کشن تن ناک کجاست؟ ص ۳۴

گرانی غبار جیب زحمتکشان را هم جارو کرده ص ۳۶

نفس کشیدن کارکنان صنعت نفت در عسلویه ممنوع شد! ص ۴۱

اخلاق و اقتصاد ص ۴۳

گزارشی از نشست سازمان جهانی کار در زنو ص ۴۴

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۴۵

ایمنی در کار، یعنی کیفیت دستبرد ص ۴۶

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۴۷

پیدایش و تکامل حیات ص ۴۹

سالگرد انسانی که بر بام جهان جاودانه شد ص ۵۲

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کار مکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دوزیانه سندیکای

کارگران فلز کار مکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

تجمع و اعتراض حق همه مردم ایران است!



در تاریخ ۱۵ تیرماه در عسلویه جمعی از سوی کارگران پروژه ای برگزار شد. این تجمع که در سکوت کامل شکل گرفته بود در اعتراض به عقب افتاده حقوق ها به مدت بیش از ۶ ماه ، رد نشدن بیمه کارگران در پروژه ها، حوادث شغلی صورت گرفت. این تجمع پس از پایان به دستگیری ۴ نفر از کارگران منجر شد که پس از ۱۰ روز با وثیقه های ۸۰ میلیونی آزاد شدند.

کارگری که ۶ ماه حقوق نمی گیرد باید با چه کسی اعتراض خود را درمیان بگذارد؟ صدا و سیما؟ نماینده گان مجلس استان؟؟ اداره کار؟؟؟ چه کسی؟؟؟؟؟

متأسفانه آنچه اتفاق افتاد بی درایتی محض مسوولین بود و بس.

اصل ۲۷ قانون اساسی دایر بر آزاد بودن تجمع و راهپیمایی است، بدون سلاح و به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد.

در این تجمع که در سکوت برگزار شد کارگران هیچ سلاحی جز کاغذهایی که خواسته هایشان را نوشته بودند با خود حمل نمی کردند. آنان خواهان عدالت بودند که یکی از اصول دین است.

ما ضمن اعتراض به دستگیری این کارگران و گرفتن وثیقه های ۸۰ میلیونی ، حمایت کامل خود را از خواسته های کارگران پروژه ای اعلام کرده و با تمام توان از برادرانمان حمایت می کنیم.

خواست آنان خواست ماست.

گسترده تر باد همبستگی کارگری،

درود بر کارگران پروژه ای

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۹ تیر ۱۳۹۷



بنام خدا

توجه توجه

از کلیه کارگران پروژه های پارس جنوبی دعوت به عمل می آید روز جمعه به تاریخ ۱۵ تیرماه ۱۳۹۷ راس ساعت ۱۸ درسه راهی عسلویه جهت شرکت در اعتراض صنفی و رسیدگی به مسایل ومشکلات کارگران پروژه ای به ویژه عقب افتادن حقوق ها، دستمزدهای کم و حوادث شغلی، به گونه ی فرهنگی و بدون هیچگونه خشونت یا درگیری با ارگان های دولتی مانند سپاه و بسیج و نیروی انتظامی تشریف فرما شوید

لذا خواهشمندیم ،از شعار های ضد انقلابی ، سیاسی ، مذهبی ، و ... که به تجمع صنفی ما خدشه وارد کند، خود داری کنید.

با تشکر ،

کارگران پروژه ای شاغل در پارس جنوبی





گزارشی از سفر نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد تهران به سازمان جهانی کار (ILO) همچنین حضورشان در کشورهای، سوئیس، فرانسه، سوئد، نروژ و آلمان و دیدار با سندیکاهای کارگری آن کشورها



به دعوت کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه دو تن از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در روز ۲۶ مه برای دیدارهایی با سندیکاهای کارگری فرانسه عازم پاریس شدند. با برنامه ریزی های صورت گرفته نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد به همراه کنفدراسیون های کارگری فرانسه در سازمان جهانی کار حضور یافتند و دیدارهایی با مسئولین این سازمان انجام دادند. آقایان رضا شهابی کارگر مبارز

و سرشناس سندیکای کارگران شرکت واحد که شش سال را در زندان گذرانده است و داود رضوی نمایندگان سندیکا در این نشست ها بودند .

نمایندگان سندیکا با آقای پرنارتیو عضو هیات مدیره (ILO) همچنین با خانم بیاته اندرس و آقای کاسترو که بعنوان نمایندگان این سازمان در ماه اردیبهشت به ایران سفر کرده بودند و وزارت کار مانع از دیدار آنها با نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحد و دیگر تشکلات کارگری مستقل شده بود؛ با محوریت شکایت های سال های گذشته سندیکا در مورد ممانعت دولت از تشکیل مجمع عمومی سندیکا و آزار و اذیت کارگران شرکت واحد و زندان و احکام قضایی و اخراج اعضای سندیکا همچنین در مورد آزادی تشکیل تشکل های مستقل کارگری بدون دخالت دولت و کارفرما مطابق مقاوله نامه ۸۷ و پیمان دسته جمعی مطابق مقاوله نامه ۹۸ دیدار و گفتگو کردند .

آنان نشستی نیز با خانم سارا فینک و آقای مک اوراتا از کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و آقای ممدو و خانم میل از کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های عمومی داشتند و از آنان درخواست کردند تا شکایت هایی که به نمایندگی از سندیکای کارگران شرکت واحد در سالیان گذشته در (ILO) کرده اند را جدی تر پیگیری کنند در این نشست در مورد ارتباط شفاف فی مابین نتایج خوبی به دست آمد. دستاورد دیگر این نشست تبدیل عضویت سندیکای کارگران شرکت واحد در کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های حمل و نقل از افتخاری به عضویت رسمی بود. و پس از این سندیکا می تواند در انتخابات هیات مدیره این کنفدراسیون کاندید و در رای گیری ها مشارکت کند. نمایندگان سندیکا در حاشیه اجلاس در جلسه مشترکی که با حضور هفت کنفدراسیون کارگری از کشورهای فرانسه، سوئد، ایتالیا و اسپانیا و کنفدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری در مورد موانع دولتی برای کارگران ایران در ایجاد سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری برگزار شد؛ گفتگو کردند.

نمایندگان سندیکا به چهل و نهمین کنگره کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه در شهر رن دعوت شدند. رضا شهابی در این کنگره سخنرانی کرد و از حمایت

این اتحادیه از مبارزات کارگران ایران و تلاش آن برای آزادی خود تشکر کرده و آن را نمونه ای از همبستگی بین المللی کارگران دانست. این سخنرانی با حمایت پرشور نزدیک به دو هزار نماینده فرانسوی و خارجی حاضر در کنگره روبرو شد. در حاشیه این کنگره نمایندگان سندیکا با خانم شاران بارو دبیر کل آی تی یو سی (کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری) و نیز آقای پیتر سیوندنک، مشاور دیپارتمان بین المللی سندیکای بزرگ "د.گ.ب" آلمان دیدار و تبادل نظر کردند. هر دوی این شخصیت ها، در ادامه گفتگوهای ژنو با دیگر مسئولین بخش کارگری سازمان جهانی کار، ضمن قدردانی از مبارزات سندیکای کارگران شرکت واحد بر لزوم حمایت فعالتر از آن تاکید داشتند. در طول این سفر نمایندگان سندیکا در شهر پاریس با مسئولین کنفدراسیون دموکراتیک کار فرانسه CFTD، کنفدراسیون عمومی کار فرانسه CGT، اتحاد سندیکایی همبستگی Solidaires، کنفدراسیون متحده سندیکایی FSU، اتحاد ملی سندیکاهای مستقل UNS و در شهر استکهلم با دبیر کل و دیگر مسئولین اتحادیه سراسری کارگران سوئد و برخی سندیکاهای عضو آن دیدار کردند. در شهر اسلو با مسئولین اتحادیه کارگران سراسری نروژ و برخی از سندیکاهای عضو دیدارهایی صورت گرفت در شهر فرانکفورت و هامبورگ با مسئولین سندیکای بزرگ "ا.گ.م" و "وردی" دیدار داشتند. موضوع اصلی در این دیدارها تعمیق همبستگی کارگری بوده و بر همبستگی ها با کارگران شرکت واحد و سایر کارگران ایران تاکید شده است.

همچنین نمایندگان سندیکا در مراسم شب همبستگی با کارگران ایران در پاریس که کلکتیو سندیکاهای کارگری فرانسه ترتیب داده بودند بعنوان سخنران شرکت کردند. در ادامه نمایندگان سندیکا در چهار جلسه دیدار عمومی با کارگران و فعالان کارگری که با هماهنگی سندیکاهای دعوت کننده در شهرهای فرانکفورت، هامبورگ، استکهلم و گوتنبرگ برگزار شده بود، سخنرانی کردند.

جهت آگاهی همکاران، کلیه هزینه های این سفر توسط سندیکاهای دعوت کننده پرداخت گردیده است.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران ذوب آهنی



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- هنوز هم از حقوق کارگران ذوب آهن اقساط کسر شده از پرفراژ بانک صادرات در حساب ها منظور نمی گردد و باعث دیرکرد و جرایم برای ضامن ها گشته و مدیریت مالی هیچ واکنشی نشان نمی دهد.

۲- سرویس های بهداشتی ترمینال آزادگان خراب و قابل استفاده برای کارگران نیست

۳- کارگران قرارداد مستقیم خواستار راهکاری برای پرداخت وام مسکن به این کارگران شدند

۴- آب آشامیدنی کارخانه مدتی است بدون اطلاع قبلی قطع می شود. با توجه به کمبود آب لطفن زمان بندی قطعی آب در شرکت و ساعات مربوطه را در پنل آگهی ها بزنید

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از خواسته های کارگران ذوب آهن

در سال گذشته با تلاش کارگران و مهندسین واحد ۲ کک، ذوب آهن توانست رکورد تولید کک را در ۵۰ ساله اخیر بشکند. آنچه باید مورد توجه مدیران ذوب آهن قرار بگیرد که به آن کم توجهی می کنند موارد زیر است:

۱- پاداش این رکورد را هرچه زودتر به این مهندسین و کارگران سخت کوش بدهند تا خستگی از تنششان بیرون رود

۲- پس از سالها ضرر و زیان که ناشی از مدیریت غلط بوده است و فشار ناشی از این زیان را کارگران به دوش کشیده اند لازم است دستمزدها افزایش یابد

۳- ذوب آهن باید ترتیب استخدام کارگران جدید را بدهد که هم تجربه به کارگران جدید منتقل شود و هم اینکه فشار کاری از روی کارگران برداشته شود

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ذوب آهن اصفهان

در ۴ ماهه اخیر نزدیک به ۲۰۰ نفر را در ذوب آهن بازنشسته کرده اند. سوال اینجاست: ۱- به جای این بازنشستگان چه کسانی باید کار آنها را انجام دهند؟

۲- چرا ذوب آهن از استخدام کارگران جدید خوداری می کند؟

۳- با رفتن این کارگران از کوره بلند، آزمایشگاه، مرکز تحقیقات، فولادسازی، الگومراسیون، نورد، آبرسانی، تولید کک، نگهداری ماشین آلات و خودروهای سنگین، نت مکانیک،.... کار آنها به دوش چه کسانی خواهد افتاد؟

۴- با توجه به استخدام نکردن کارگران جدید و با این فشار کاری کارگران چگونه می توانند بهره وری لازم از دید مدیریت را پاسخگو باشند؟

۵- آیا به کارگری که حالا باید به جای همکار بازنشسته اش وظیفه او را نیز در تولید به عهده بگیرد اضافه حقوقی تعلق خواهد گرفت؟؟ این پاسخی است که مدیریت سالهاست از آن طفره رفته است

۶- با اینکه بارها به مدیریت مالی در خصوص مشکل عدم پرداخت اقساط کسر شده از پرفراژ حقوقی کارگران در مورد بانک صادرات گفته شده است متأسفانه این مشکل را کارگران با بانک مهر اقتصاد نیز دارند که باعث دیرکرد و جریمه برای ضامن گشته داست

۷- مدتهاست کارگران خواستار نصب سطل های مخصوص بازیافت ظروف آب یکبار مصرف در قسمت های کارخانه شده اند ولی گوش شنوایی نیست.

۸- کارگران کارگاه سرپاره ۱ و ۲ کوره بلند خواستار رسیدگی و رفع مشکل سیستم سرمایشی در این تابستان داغ را برای کارگاه ها تقاضا کرده اند ولی از سوی مدیریت مربوطه واکنشی نشان داده نشده است

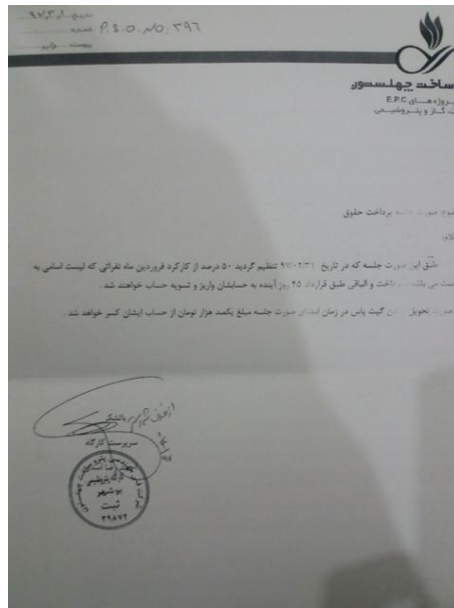
۹- با تهاتر بدهی های ذوب آهن و آمدن ۶۰۰ میلیارد تومان به صندوق شرکت آیا وقت آن نرسیده که مدیریت در مورد افزایش حقوق کارگران شرکت با این کار سنگین و به دوش کشیدن هزینه مدیریت غلط و بدهی های شرکت را داده است، باشند.

گزارشی از خبرنگار پیام سندیکا از پتروشیمی بوشهر

سلام دوستان ما حدود ۲ ماه پیش در پتروشیمی بوشهر شرکت پترو ساخت چهلستون بخاطر حقوق اعتصاب کردیم .

سر کار نرفتیم حدودا ۱۵ نفر بودیم که ما را اخراج کردند و طلب ما را پرداخت نکردند فقط اسفند ماه را پرداخت کردند بعد طبق قرار دادی که شرکت با ما داشت بعد از تسویه ظرف ۴۵ روز می باید کل طلب ما باید به حساب واریز می شد . و این عکس ضمیمه هم صورت جلسه حراست پتروشیمی بوشهر می باشد . هم اکنون که ۵۲ روز از اخراج ما میگذرد خبری از پول نیست . دوستان فریب این شرکت ها رو نخورید و متن قرار دادها رو هم به دقت بخوانید ...

پتروشیمی بوشهر نادر کارگر پروژه ای



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت احداث در دشت عباس

شرکت احداث به کارفرمایی او یک (O۱) که در دشت عباس خوزستان مشغول به کار است پیمانکاری به نام حدادی دارد.

این پیمانکار از لحاظ اخلاقی صفر، از لحاظ غذا صفر، و حتا دسر غذا را نیز حذف کرده است. موقع بستن قرارداد با کارگران جوشکار مبلغ ۴۲۰۰ را ذکر می کند اما موقع تصفیه ۴ میلیون تصفیه می کند. سرپرست ها بسیار بد دهن و بی تربیت هستند.

قبلن شرکت به کارگران شیر، میوه می داد که ایشان رفت و حذفش کرد. بیش از ۲ ماه است که به کارگران پولی پرداخت نشده است. کارگری که تسویه کند و یا مریض شود ناهار و شام بهش نمی دهند. حتا اگر کارگری که با تلفن برای سرکار دعوتش کرده می آید، شب برسد شام نمی دهد. حتا رییس امور اداری هم در جریان این کارهای خلاف او هست چون کارگران به ایشان اطلاع داده اند ولی حرکتی از سوی شرکت انجام نگرفته است.

مینی بوس هایی که کارگران را جابه جا می کنند نیز فاقد کولر هستند.

از سندیکای کارگران فلزکارمکانیک و گروه پایپینگ انتظار می رود این پیمانکار را هم به لیست تحریم اضافه کند.

دفاع از دستمزد برابر در مقابل کار برابر و حقوق برابرکاری در کارگاهها و کارخانه ها بخش جدایی ناپذیر از مبارزه ای گسترده برای کسب برابری میان زنان و مردان در تمام سطوح اجتماعی است

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارگاه روغن کشی کنجد از ساوه



نام کارفرما : علی اکبر نامدار و ابوالفضل رحیمی.

محل کارگاه : سه کیلومتری جاده یل آباد جنب کارتن سازی انپک.

موضوع : تولید روغن کنجد بصورت غیر بهداشتی و حقوق ندادن به کارگرها و اخراج آنها بدلیل اعتراض به تولید غیر بهداشتی روغن کنجد.

در این کارخانه که روغن کنجد در شرایط غیر بهداشتی تولید می شود و با عکسها و فیلمی که مشاهده می کنید کرم در آنها فراوان است. این نوع روغن ها را به مردم میفروشدند و بارها اعتراض کارگران را در پی داشته که با اخراج آنها حتی ندادن حقوق کارکرد آنها همراه بوده و همچنان به تولید ادامه میدهند. کارگران به اداره بهداشت اطلاع داده اند ولی پی گیری نکردند.

این گزارش برای جلوگیری از تولید غیر بهداشتی و تضمین سلامت مردم عزیز ساوه منتشر می گردد تا مسئولان با دیدن و خواندن آن جلوی اینکار را بگیرند. جمعی از کارگران این واحد تولیدی از بازرسان اداره کار خواهان پی گیری حقوق کارگران این کارگاه می باشند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت قالب خودرو

شرکت قالب خودرو در سیمین دشت کرج واقع شده و تاکنون تعداد زیادی از کارگران خود را اخراج نموده است. این کارخانه یکی از زیرمجموعه های کارخانه ایران خودروست و برایش قطعه تولید می کند. این کارخانه ۵۰۰ کارگر داشته که هر هفته ۲۰ الی ۳۰ نفر را از شرکت بیرون می کند. که تاکنون ۵۰ نفر اخراجی دارد. مدیریت اداری به کارگران اعلام نموده که هفته بعد هم ۵۰ نفر را از شرکت اخراج خواهند کرد. مدیر تولید کارخانه درخواست اخراج بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران را به مدیریت داده است. این درحالی است که مسوولین مالی برای تسویه حساب کارگران اعلام کرده اند که پولی در صندوق کارخانه موجود نیست. و قبض اب و برق هم پرداخت نشده است. بخشی از کارگران را به بیمه بیکاری معرفی نموده اند.

بیش از یک ماه است که اضافه کاری تعطیل و پنجشنبه ها را هم تعطیل کرده اند و کارگران را ۷۰ نفر به ۷۰ نفر به مرخصی اجباری می فرستند که گاه از میان این عده بخشی بعد از ورود به کارخانه متوجه اخراج خود می شوند. با قطع برق هم کارگران را تعطیل و روانه خانه کرده و مرخصی ساعتی حساب می کنند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از خاموشی ها در صنایع

با خاموشی های مرتبی که در کارخانه های صنعتی اتفاق می افتد، کارفرمایان دست به ترفندهای گوناگونی می زنند. بخشی از کارمندان اداری شرکت کاله به طرح زوج و فرد تقسیم شده اند تا پانزده روز در ماه حقوق دریافت کنند. برای اخراج کارگران هم شرکت در حال تصمیم گیری است. در کارخانه سایپا از برق اضطراری خبری نیست و کارگران را با هر خاموشی به خانه فرستاده و ساعتی حقوق محاسبه می کنند. از کارخانه ماموت کرج هم خبر می رسد بیش از ۶۰ نفر کارگر اخراج شده اند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات رانندگان تاکسی فرودگاه



«مدیران تاکسیرانی از نظر علمی و کارشناسی از صنعت تاکسیرانی چه می دانند؟؟ آیا آنان تاکنون به خود زحمت داده اند تا با یک بررسی جامع درآمد یک راننده تاکسی فرودگاه را برآورد کرده و هزینه هایی را که به او تحمیل کرده اند را حساب کنند؟» اینها پرسش هایی است که با هر راننده ای که وارد گفتگو شوید به شما خواهد گفت.

آیا راننده تاکسی از فولاد است؟ طبق قوانین کار یک راننده تاکسی باید با ۸ ساعت کار در طول روز و یک روز تعطیلی در هفته زندگی خود را تامین کند در صورتی که هر راننده تاکسی فرودگاه در حال حاضر ۲۰ ساعت در روز برای تامین هزینه های خود و پرداخت انواع هزینه هایی که تاکسیرانی و فرودگاه و شرکت های بخش خصوصی به دوشش گذاشته است، تلاش می کند و به ماشین خواب تبدیل گشته است.

مدیریت تاکسیرانی می گوید: «رانندگان تاکسی که کارگر و یا کارمند نیستند».

رانندگان از شما سوال می کنند: پس چه هستند؟ اگر سرمایه دار و مالک خودروند، پس این همه شرکت های خصوصی برای استثمار آنها برای چیست؟ آمدن آقازاده هایی که با رانت و روابط آنچنانی وارد این عرصه از صنعت گشته اند و هیچ سر رشته و آگاهی از این صنعت ندارند برای چه است؟ آنها حتی یک روز با راننده ای گفتگو نکرده اند و از درد آنها خبر ندارند. آیا می

دانند که با بالا رفتن دلار هزینه تعویض روغن ماشین دو برابر شده است؟ یک تعمیر موتور ساده چندماه درآمد یک راننده را می‌بلعد؟ امروز راننده‌ها چه فرودگاهی، چه چرخشی، چه ایستگاهی و چه تلفنی همگی برای اینکه بتوانند مخارج خود را تامین کنند ماشین خواب شده‌اند و دیگر روی خانه و خانواده را نمی‌بینند.

این است سیاست های مدیران تاکسیرانی

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از راننده تاکسی در کشورهای دیگر!

اگر شما راننده تاکسی در کشورهایی چون مالزی، سنگاپور و ترکیه باشید:

۱- مالک خودرو نیستید

۲- کلیه هزینه های اتومبیل اعم از بنزین، تصادف، تعمیرات همگی به عهده شرکت مربوطه است

۳- راننده حق خوب رانندگی کردن را دارد و به مسایل دیگر فکر نمی‌کند

در ایران برعکس همه دنیا شرکت های خصوصی تاکسیرانی با رانت و زورگویی رانندگان را به شرکت خود ضمیمه کرده‌اند. همه هزینه‌ها بر دوش راننده تاکسی است و این شرکت‌ها به دلیل رانتخواری هر ماهه مبادرت به باجگیری از راننده‌ها به عنوان شارژ ۸۰۰ هزار تومانی کرده و تاکسیرانی نیز از آنان حمایت می‌کند.

چه خدماتی به رانندگان تاکسی می‌دهند؟ تعجب آور است هیچ

آفرین به این مدیریت تاکسرانی که باعث نابودی رانده و خانواده‌هایشان می‌شود تا عده‌ای رانت خوار دسترنج راننده تاکسی را به تاراج ببرند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات دهقانان

هجوم شهرک‌های ناکارآمد صنعتی در استان تهران به حوزه کشاورزی با دو ابزار برای نابودی تولیدات کشاورزی قشر زحمتکش دهقانان و دامداران را به نابودی کشاند که اهم آسیب‌های آن عبارتند از غارت منابع آبی که در حوزه کشاورزی تعریف شده و کاربری کشاورزی دارند و نابودی محیط زیست با آلوده ساختن مراتع و زیستگاه‌های وحوش با آلوده ساختن آب‌ها و ریزش فاضلاب‌های صنعتی به آب‌های زیر زمینی و آب‌های جاری و همچنین پخش ضایعات و زباله‌های صنعتی در مزارع و مراتع

سمپاشی‌های غیر اصولی که باعث نابودی بسیاری از پرندگان و چرندگان گشته و افت‌های کشاورزی به تبع این ناقص شدن چرخه حیات، رو به فزونی گذاشته است.

دهقانان و دامداران استان تهران با افتی به نام مدیران بی‌صلاحیت و غیر حرفه‌ای در عرصه دام و کشاورزی روبرو هستند.

دهقانان و کارگران صنعتی هر دو قربانیان سیاست‌های سرمایه‌داری جهانی و داخلی هستند. سرمایه‌داری چه در کارخانه و چه در سرزمین برده‌هایی آرام می‌خواهد تا بیشترین سود را به جیب خود بریزد.

برای مقابله با سیاست‌های ایران ویران‌کن دهقانان و کارگران باید متحد شوند.

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



۱- تاخیر چندین ماهه پرداخت طلب کارگران بازنشسته شرکت واحد، بابت ذخیره ۳ درصد حقوق شان نزد کارفرما در مدت زمان اشتغال

مطابق پیشنهاد شهرداری تهران، کارگران شهرداری و شرکت های وابسته به شهرداری در صورت موافقت شخصی ۳ درصد از حقوق شان در مدت زمان اشتغال کسر و در نزد شهرداری باقی می ماند و در زمان قطع خدمت به هر دلیلی، شهرداری می بایست دو برابر مبلغ کسر شده از حقوق کارگر را به وی پرداخت کند.

در حال حاضر کارگرانی که ماه هاست در شرکت واحد بازنشسته شده اند هنوز نتوانسته اند طلب خود از کارفرما بابت ذخیره ۳ درصد از حقوق شان را دریافت کنند و طبق گفته مدیریت ممکن است پرداخت طلب کارگران تا یکسال زمان ببرد.

کارگران به امید اینکه بعد از بازنشستگی مبلغ قابل توجهی برای اداره زندگی شان به دست بیاورند با ذخیره حقوق شان موافقت کرده اند؛ اما حالا برای دریافت اصل پول خود و مبلغی که مدیریت تعهد کرده پردازد؛ باید حتی یکسال منتظر باشند! و فریاد رسی نیست!!!

۲-صدها راننده شرکت واحد حائز شرایط بازنشستگی، به دلیل عدم پرداخت حق بیمه شان از سوی مدیریت، ماههاست که معطل بازنشستگی شان هستند

در هر یک از شش سامانه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران حدود صد تن از رانندگان و کارگران وجود دارند که با احتساب سوابق شان در شغل سخت و زیان آور حائز شرایط بازنشستگی هستند. اما به دلیل عدم پرداخت حق بیمه سهم کارفرما، سازمان تامین اجتماعی بازنشستگی شان را موکول به پرداخت حق بیمه سهم کارفرما کرده و به رغم اینکه ماه ها است حائز شرایط بازنشستگی اند؛ اما همچنان منتظر پرداخت حق بیمه شان توسط مدیریت شرکت واحد هستند تا بازنشسته شوند.

مطابق "بند ۴ قسمت ب ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی" کارگرانی که بیست سال در مشاغل سخت و زیان آور کار کنند، (۴٪) به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تامین اجتماعی افزوده خواهد شد که در صورت تقاضای بازنشستگی مشمولان، کارفرمایان می بایست بطور یکجا و یا بطور اقساطی پرداخت کنند. اما مدیریت شرکت واحد در سال های اخیر حق بیمه مذکور در مورد کارگران را حتی یکسال بعد از احراز شرایط بازنشستگی کارگر پرداخت و کارگران مجبور بوده اند به رغم احراز شرایط دریافت مستمری بازنشستگی، یکسال بیشتر کار کنند.

در حالی که عموماً در مورد این کارگران، حقوق دو یا سه ماه شان برابر است با بدهی حق بیمه شان، و چنانچه این مبلغ یکجا به تامین اجتماعی پرداخت شود. کارگر بلافاصله بازنشسته خواهد شد. با توجه به اینکه در برخی از سامانه های شرکت واحد کارگر مازاد وجود دارد، و کارگران بعد از احراز شرایط بازنشستگی شان، فقط در محل کار حاضر می شوند و بدون انجام کار

حقوق دریافت می دارند. اما مدیرعامل ناکارآمد شرکت واحد که فقط به موقعیت خود می اندیشد، حاضر نیست برای دریافت یکجا سه ماه حقوق کارگر از شهرداری که با مبلغ بدهی حق بیمه برابری می کند؛ از مدیران شهرداری درخواستی داشته باشد. و صرفاً برای اینکه اینگونه وانمود شود که مدیرعامل کم هزینه ای برای شهرداری است، هم موجب نارضایتی کارگران مشمول حائز شرایط بازنشستگی شده است و هم زیان مالی به شهرداری و به تبع زیان مالی به شهروندان وارد می کند. البته در برخی سامانه ها نظیر سامانه چهار، بدون اینکه ضرورتی باشد مدیریت آن سامانه کارگران را وادار می کند حتی پس از احراز شرایط بازنشستگی، همچنان کار کنند.

۳- به رغم اینکه در دو دوره پی در پی کارگران سامانه BRT شرکت واحد به شورای اسلامی تحمیلی وفرمایشی رای ندادند. مدیریت دوباره تلاش دارد افراد وابسته به خود را بعنوان نماینده به کارگران تحمیل کند.

اعلام داوطلبی و زمان برگزاری مجمع عمومی انتخاب نماینده
کارکنان در هیئت تشخیص
شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

بنویسید که کلیه کارکنان دعوت می شود که بمنظور انتخاب نماینده کارکنان در هیئت تشخیص صلاحیت داوطلبان عضویت در شورای اسلامی:

اعتبار: روز: مورخ: ۹۷/۰۴/۲۶ در محل: حضور

مردان: افرادی که مایل به عضویت در هیئت تشخیص صلاحیت می باشند لازم است حداکثر تا روز: تاریخ: ۹۷/۰۴/۲۳ ساعت: ۱۲ تقاضای کتبی خود را به نماینده این اداره کل بیاورند. و یا به افراد ذیل: ۱- ۲- تحویل و رسید دریافت دارند.

تذکرات:

بموجب تبصره ۲ ماده ۶ آیین نامه انتخابات، نماینده کارکنان در هیئت تشخیص، نمی تواند داوطلب عضویت شورا شود.

با توجه به اینکه نماینده منتخب مجمع در هیئت تشخیص صلاحیت با همکاری نمایندگان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و وزارتخانه مربوط، امر رسیدگی به تعیین صلاحیت کاندیداها (در موارد اعتقادی و سیاسی و توان کاری) و همچنین نظارت بر انتخابات و رسیدگی به اعتراضات را نیز عهده دار خواهد بود. لازم است که کارکنان در انتخاب نماینده خود در هیئت تشخیص دقت کافی بعمل آورند.

نماینده اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی
سازمان تهران

۹۵/۹

دیدگاه ما دربارهٔ اوضاع منطقه، بحران در کشور، تظاهرات بازاریان، وضعیت جنبش کارگری

با توجه به تحرکات آمریکا در خصوص در هم شکستن اقتصاد ایران و دست و پا کردن جای پای در ایران، سفر مسئولان آمریکایی به کشورهای خریدار نفت ایران برای منصرف نمودن آنها از خریدن نفت ایران، و به‌ویژه بستن تعرفه توسط دولت آمریکا به روی کالاهای کشورهای چین و روسیه و هند و عمل متقابل این کشورها که واکنشی طبیعی است، احتمال می‌رود که در سال جدید مسیحی شاهد بحران‌های اقتصادی در آمریکا به زیان دولت ترامپ باشیم.

اما نکتهٔ گرهی این است که اگر امپریالیسم آمریکا زودتر از آنکه بحران اقتصادی-سیاسی مورد نظرش در ایران عمل کند، در نقشه‌های خصمانهٔ خود موفق شود و حکومت ایران را ساقط کند، آنگاه می‌تواند با تحمیل جنگ، منابع طبیعی ایران را غارت و برخی از مشکلات خود را حل کند. اما اگر موفق نشود، بحران اقتصادی در سال جدید مشکلات زیادی برایش به بار خواهد آورد.

سرمایهٔ مالی در آمریکا، که ترامپ و دولتش مظهر آن‌اند، به بهانهٔ کاهش هزینه‌هایش، و در حقیقت برای نشان دادن مخالفتش با نمادهای عدالت‌خواهی و صلح، نمایندگان آمریکا را از کمیسیون‌های سازمان ملل متحد مانند «شورای حقوق بشر» و پیمان‌های جهانی مانند «حفظ محیط زیست» بیرون آورده، برنامهٔ بهداشت و درمان همگانی و تأمین اجتماعی دولت اوباما را زیر ضربه گرفته است، و برای گرفتن ژست «ناسیونالیسم آمریکایی» مهاجران و فرزندان‌شان را از یکدیگر جدا و در نهایت از کشور بیرون می‌کند. اما بحران فزاینده‌ای که با بستن تعرفه بر روی کالاهای آمریکایی در چین و روسیه و هند و کانادا آغاز شده، آمریکا را با چالشی عظیم روبرو می‌کند، و اگر اتحادیهٔ اروپا نیز به این تعرفه بستن‌ها بپیوندد، رکود و ورشکستگی در سال آینده اقتصاد آمریکا را فرو خواهد پاشید.

در مورد بحران در کشور و تظاهرات بازاریان نظرم این چنین است:

سؤال این است که چرا بازار اعتراض می‌کند؟ این اعتراض به چیست؟ و این اعتراض‌ها چه تفاوتی با اعتراض‌های طبقات دیگر جامعه دارد؟ اگر بتوان به این پرسش‌ها پاسخ داد، می‌توان موضع و خیز سرمایه داری تجاری سنتی را در این اعتراض‌ها فهمید و جایگاه طبقه کارگر را نیز ارزیابی کرد.

وقتی موسی غنی‌نژادها از آزادی سرمایه به هر شکل دفاع می‌کنند و معتقدند که کالا باید قیمت حقیقی خود را پیدا کند، امروز چرا باید منتقد دولت شوند؟! بحران مالی ایجاد شده در نظام اقتصادی ورشکسته کشور به دلیل شروع تحریم‌های اقتصادی و بانکی آمریکا بر ضد ایران، موجب بالا رفتن چشمگیر قیمت ارزهای معتبر جهانی شده است. برخی از محافل انگلی و رانت خوار سرمایه داری تجاری توانسته اند از این مسئله به نفع خود و به قیمت بالا بردن قیمت کالاهای اساسی مورد نیاز مردم زحمتکش، و با هدف تضعیف جناح رفیب خود در دولت دوازدهم بهره برداری کنند. ولیکن همه سود ناشی از بالا رفتن قیمت ارز به جیب همه بازاریان نرفته، و به همین دلیل، لایه‌های پایین‌تر بورژوازی بازار معترض‌اند و سهم خود را از این سود می‌خواهند. حرکت اولیه سران بازار و رهبران سرمایه‌داری تجاری بزرگ با حرکت دیگر اقشار جامعه متفاوت، و ارتجاعی است. تضاد منافع و درگیری بین جناح‌های مختلف سرمایه مالی-تجاری سنتی از سویی، و جناح به اصطلاح نوپا و دست‌پایین‌تر بازار از سوی دیگر، شورش بازار را باعث شد. شعار «سوریه را رها کن» یعنی هزینه حمایت از دولت سوریه باید به جیب ما برود. جناح جنگ‌طلب و مرتجع و همسو با آمریکا، ناراضی از برخی از سیاست‌های دولت که با هدف غلبه بر پیامدهای تحریم‌های اقتصادی و بانکی تدوین و اعمال شده است، نگران منافع اقتصادی و سیاسی خود است. جناح راست سنتی حاکم بر بازار، لایه‌های دست‌تنگ بازار را وارد خیابان می‌کند تا دست خود را در پشت اعتراض‌های دو هفته گذشته پنهان کند، ولی در ضمن به دولت فشار می‌آورد تا سهم خود را از غارت منابع ارزی و ایفای نقش واسطه‌گری مرکزی در شبکه توزیع و تجارت تضمین کند.

در مورد جنبش کارگری نظر ما این است که:

جنبش کارگری در این میان فقط می‌تواند به قدرت خود و دیگر زحمتکشان، از جمله آموزگاران و پرستاران و دیگر اقشار مزدبگیر تکیه کند و گوشه چشمی هم به همبستگی اقشار مترقی و مردمی طبقه متوسط داشته باشد که در سال‌های اخیر از برخی آزادی عمل‌ها برخوردار بوده‌اند. سندیکاهای کارگری که متشکل‌ترین بخش جنبش کارگری‌اند باید نفوذ و اعتبار خود را در میان کارگران بیشتر کنند و دست به سازمان‌دهی کارگران به‌ویژه در صنایع بزرگ بزنند؛ این مهم‌ترین و فوری‌ترین وظیفه فعالان سندیکایی است. همچنین، باید برای اتحاد سندیکاهای کارگری با یکدیگر کوشید. تفرقه و خودخواهی جز سود رساندن به دشمن مشترک حاصلی ندارد.

اگر امروز بتوانیم سندیکاهای کارگری یا هر تشکل کارگری دیگری که در جهت منافع و مطالبات واقعی کارگران فعال باشند، را ایجاد کنیم، جنبش کارگری خواهد توانست مهر و نشان خود را بر تحولات آتی کشور بزند.

در این زمینه، جنبش کارگری و سندیکایی بارها به صراحت مخالفت قاطع خود را با تحریم‌های اقتصادی آمریکا و تهدید صلح از سوی ارتجاع منطقه که مورد حمایت دونالد ترامپ است، را ابراز و اعلام کرده است.

تحریم‌های اقتصادی و تحریم سیستم بانکی سبب تعطیل شدن تولید، افزایش بیکاری، گرانی، و فقر بیشتر طبقات فرودست خواهد شد و نمی‌تواند به‌هیچ‌روی به نفع طبقه کارگر باشد. مضمون مبارزاتی امروز ما باید دفاع هم‌زمان از مطالبات کارگران برای حقوق و دستمزدهای متناسب با مخارج روزمره زندگی، امنیت شغلی و کاری، و صلح، و مخالفت با تحریم‌های کمرشکن اقتصادی باشد.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

تیرماه ۱۳۹۷

چرا صنایع فولاد ورشکسته و نابود می‌شوند؟



کارخانه صدر فولاد خرم آباد تعطیل شد و به دنبال آن بیش از ۲۰۰ کارگر بیکار شدند. کارخانه‌های «فولاد قزوین» و «آرمان شفق» امسال فعالیت‌های خود را متوقف کردند و در نتیجه دست‌کم ۳۰۰ کارگر بیکار شدند. احمد دنیانور مدیرعامل کارخانه فولاد جنوب به ایلنا گفته: «دولت‌ها صنایع فولادی را نابود کردند و پیرو آن بیکاری بسیار عظیمی اتفاق افتاد. هم‌اکنون کارخانه‌های فولاد با کمتر از ۵۰ درصد ظرفیت تولید می‌کنند و به غیر از ۴ کارخانه اصلی دولتی، سایر کارخانه‌ها وضعیت‌شان بغرنج است. همچنین بالای ۳۰ درصد از صنایع ما تعطیل هستند. می‌خواهم بگویم فولادی‌ها به خاطر اهمال دولت ورشکسته شده‌اند.»

کارشناسان سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران معتقدند چون صنعت فولاد یکی از صناعی است که به آب زیادی احتیاج دارد و بیشتر کارخانه‌های فولاد بدون کارشناسی در مناطقی خشک واقع شده‌اند و همچنین از معادن سنگ آهن دورند لذا هزینه تولید این کارخانه‌ها بالا بوده و بخش‌های خصوصی پس از اعمال رانت‌خواری خود این کارخانه‌ها را غیرفعال می‌کنند. بیشتر کارخانه‌هایی که خصوصی‌سازی شده‌اند با استفاده از رانت به قیمت نازل یا خریداری و یا اینکه با پارتی بازی در سیستم بانکی با گرفتن وام‌های کلان راه اندازی شده‌اند. سرمایه‌داری که نگاه بازاری به صنعت دارد به دنبال برداشت سریع سود است که در صنعت میسر نیست لذا فقط به دنبال گرفتن رانت و رها کردن صنعت است.

به یاد پیشگامان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

سندیکا

دوشنبه ۸ مردادماه ۱۳۴۱ - شماره ۵۷۱۲

در جلسه انتخاب هیئت مدیره سندیکای فلزکار و مکانیک اقرار گردید:

ورود اشیاء خارجی که فلز کاران مشابه آنها میسازند باید ممنوع شود

دومین مجمع عمومی سالیانه سندیکای کارگران فلزکار و مکانیک تهران جهت انتخاب هیئت مدیره جدید در محل سندیکا تشکیل گردید.

ایشا آقای حسین سیری دبیر سندیکا گزارشی از عملیات یکساله کار سندیکا بیان کرد و افزود: در مابقی که پشت سرهائیم پشتیبانی و رهنمائی شما کارگران مشوق و محرک سندیکا بود البته ما توانستیم تمام خواسته‌های شما جامعه عمل بپذیریم باین دلیل که موفقیت مانبی بود امیدواریم بتوانیم در سال آینده بر کلیه مشکلات و معروضات شما

فائق آئیم

بهر روزی کنونی با امکان داد تا ثابت کنیم که سندیکای ما صرفاً از هیچگونه وابستگی سیاسی فقط بخاطر منافع منشی و نامین‌زدگی کارگران ایجاد شده است میتواند استوار بماند. سندیکا توانست بکار هدای از کارگران اصرار بر با گرفتن تماس با کارفرمایان آنها رسیدگی کامل بکند.

مسلماً در مایه و حسدست و تشکیل میارزمیتوان بر سر تمام مشکلات فائق شد. پس منشی سندیکا خواننده های کارگران را

اجراء صحیح قانون کار و بیمه های اجتماعی و توسعه و حمایت از صنایع داخلی که باعث جلوگیری از بیکاری کارگران است بماند کرد و افزود که کارگران خواستارند از ورود اشیائی که از خارج میاید و نظیر آنها در کشور ما ساخته میشود جلوگیری شوند. با انجام این کار از بیکاری و ورشکستگی افراد جلوگیری میشود

اتضاء هیات مدیره

بعد از بیانات چند تن دیگر برای انتخاب هیئت مدیره سندیکا بلیه در صفحه ۱۸

اعلام رای بعد از آمد و آقایان زیر
بسم اتضاء هیئت مدیره و
بازرسی و اتضاء علی‌الدین اتغیان
گردیدند:

آقایان ملا حسین سیری، احمد
کابلی، عبدالکریم لطفی، قاسم
خوشبخت، محمد حسین خولانی، یحیی
جواد خسروشاهی، مصوب خاتقاهی
آرندو از غازیان، رضا محمدی
رهبریک بسم اتضاء اصلی هیئت
مدیره و آقایان رحیم علیچیان
علی نهرانی، اتضاء علی‌الدین
حسن اولیخ، رضا حامدی، حسین
مناهی، اتضاء اصلی هیئت بازرسی
لطیف‌الله قنبر زاده، مارکار، انورمیان
جعفر قنبر دوست، بسم اتضاء
علی‌الدین هیئت بازرسی انتخاب
شدند.

دومین مجمع عمومی سالیانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران دوشنبه ۸ مرداد ماه ۱۳۴۱ بر گرفته از روزنامه کیهان شماره ۵۷۱۲

دومین مجمع عمومی سالیانه سندیکای کارگران فلزکارمکانیک تهران جهت انتخاب هیات مدیره جدید در محل سندیکای تشکیل شد. ابتدا آقای حسین نصیری دبیر سندیکا گزارشی از عملیات یکساله کار سندیکا بیان کرد و افزود: در سالی که پشت سر نهادیم پشتیبانی و راهنمایی شما کارگران مشوق و محرک سندیکا بود. البته ما نتوانستیم به تمام خواسته های شما جامه عمل بپوشانیم به این دلیل که موفقیت ما نسبی بود. امیدواریم بتوانیم در سال آینده بر کلیه مشکلات و محرومیت های شما فائق آییم.

پیروزی کنونی به ما امکان داد تا ثابت کنیم که سندیکای ما صرفنظر از هیچگونه وابستگی سیاسی فقط به خاطر منافع صنفی و تامین زندگی کارگران ایجاد شده است، می تواند استوار بماند. سندیکا توانست به کار عده ای از کارگران اخراجی با گرفتن تماس با کارفرمایان آنها رسیدگی کامل کند.

مسلمن در سایه وحدت و تشکیل مبارزه می توان بر تمام مشکلات فائق شد.

سپس منشی سندیکا خواسته های کارگران را که اجرای صحیح قانون کار و بیمه های اجتماعی و توسعه و حمایت از صنایع داخلی که باعث جلوگیری از بیکاری کارگران است را بیان کرد و افزود: کارگران خواستارند از ورود اشیایی که از خارج می آید و نظیر آنها در کشور ما ساخته می شود جلوگیری شود زیرا با انجام این کار از بیکاری و ورشکستگی افراد جلوگیری می شود.

بعد از بیانات چند تن دیگر، برای انتخابات هیات مدیره سندیکا اخذ رای به عمل آمد و آقایان زیر به سمت اعضای هیات مدیره و بازرسی و اعضای علی البدل انتخاب گردیدند.

آقای غلامحسین نصیری، احمد کابلی، عبدالکریم غضنفری، قاسم خوشبخت، محمدحسین خوان یغما، جواد خسروشاهی، یعقوب خانقاهی، آردواز غازیان، رضا محمدی، رهپیک به سمت اعضای اصلی هیات مدیره و آقایان رحیم ملیحی، علی تهرانی اعضای علی البدل. حسن اولنج، رضاحمدی، حسین صالحی اعضای اصلی هیات بازرسی لطف اله قنبرزاده، مارکارباغومیان، جعفرفضل دوست به سمت اعضای علی البدل هیات بازرسی انتخاب شدن

بنام دستهای زحمت کشیده کارگران که برکت و رونق بر سفره ها می آفرینند..



بنام جسارت و ابراز وجود کارگران که تمامی معادلات دلال ها و دزدان ستمگر را بر هم می زند...

دروود به آن لحظاتی که کارگر خشمگین و نفرت زده از چپاول بی رحمانه مشتی دلال، سینه سپر نموده است و بر پلیدیها و نکبت زندگیا می شورد....
دروود بر آن لحظاتی که کارگران درخواست حقوق خود را می نمایند و بر سر دلالان دزد فریاد دادخواهی خویش سر می دهند...

دروود بر خرد و اراده جمعی که همچون بهمنی بزرگ، دزدان بی رونق را به کرنش و ا خواهد داشت و دگرگونی دوباره ای در مناسبات پلید اقتصادی ایجاد خواهد نمود و اصل برابری و انسان بودن نمودی دیگر می یابد...

همانگونه که می دانید سالیان درازی است که ما کارگران پروژه های صنعتی ایران زمین در زیر چکمه های ستم کارفرمایان و دلالان دزد و ستمگر در حال له شدن هستیم و فریاد گوشخراش ما کارگران که آسمان و زمین را درنوردیده است کوچکترین تردیدی در تغییر برنامه های چپاولگرانه این تبهکاران بوجود نیاورده است. ما در این سالیان دراز بسیار ستمها دیده ایم و بارها اعتراض خود به شرایط نابسامان را با اعتصاب و تسویه کردن از پیش پیمانکارها اعلام نموده ایم. همه ساله در اعتراض به شرایط نکبت بار حقوقی که بر ما تحمیل نموده اند نهایت جسارت خویش ابراز نموده ایم؛ اما آیا کارفرمایان کدام درد از مسایل نابسامان را درمان نموده اند؟

شوربختانه مسئولین و نهادهای حکومتی که بایستی در جهت خدمت به کارگران و توده های مردمی در تلاش باشند تمام تلاشهایشان را در جهت قانون زدایی قوانین کار بسته اند و تمامی دولتهای پس از جنگ تمام برنامه های ضد کارگری خود را به هر نوعی که زورشان برسد به انجام رسانیدند و با سیاستهای تعدیل ساختاری و حذف تعرفه ها و

اینکه مناطق آزاد تجاری را از شمول قانون کار خارج نموده اند و در قالب نظام خصوصی سازی، دلالی کار و منپاوری و پیمانکاری را بوجود آورده اند تا بدون هیچگونه دزدسری بتوانند بر مزایا و حقوق کارگری بتازند و چنان در دلالی و واسطه گری ما را ببیجانند که در گمراهی خویش بمانیم و نتوانیم بطور مستقیم حق و حقوقمان را از حلقوم کارفرمایان بگیریم و اراده و خرد و اراده جمعی را به چالش بکشانند

آنان با ایجاد تفرقه بین کارگران اعتراضات حقوقی ما را با تسویه حساب و بلیک لیست شدن جواب می دهند. با توجه به اینکه شرکتهای نفت و گاز و پتروشیمی و نیروگاه و معادن در هر ثانیه ای میلیاردها دلار درآمد به دست می آورند و ما کارگران هم تمام پروژه های صنعتی کشورمان را می سازیم و آباد می نماییم ؛ اما سهم ما از اینهمه منابع بزرگ اقتصادی چه می تواند باشد؟ کارفرمایان دلال و دزد شرایط ناگوار حقوقی را بر ما وارد آورده اند و واژه های (پول نیست) را ابداع نموده اند. یا اینکه می گویند هنوز صورت وضعیت برایمان رد نشده است و منتظر هستیم تا پول برسد یا به حساب واریز شود. در این میان کارگران با طنز مخصوص خودشان و با تمسخر می گویند: «مگر قرار هست پول از کجا بیاید؟.. از کدام کشور خارجی؟.. یا کشتی یا اتوبوس؟.. داخل گونی یا با تانکر آب؟.. یا تریلی و یا با قطار؟.. بعد مسافت چقدر هست و چقدر طول می کشد تا پول برسد؟.. و یا اینکه همانند دوران فنودالیته ارباب رعیتی قرار است با اسب و قاطر بیاید؟»

حال در این میان کارگران البرز نوین فاز ۲۰ و ۲۱ پارس جنوبی عسلویه به مدت ۴۰ روز در آبان و آذر ۱۳۹۴ می گویند که ما کار نمی کنیم و منتظر می مانیم و سر کار می نشینیم و ساحل دریا و جاده گلگاه را دید می زنیم تا پول هر چه سریعتر برسد. درست پس از چهل روز نشستن و بستن درهای فاز ۲۰ و ۲۱ کارفرما و POGC به التماس می افتند و سریع پول ۵ برج را به حساب کارگران با تمامی مزایا می ریزند. بایستی صد در صد بنشینیم تا شاید پول از آسمانها نازل بشود و یا شاید کارفرمای دلال دلش برای آمار عقب افتاده لک بزند و ناچار بشود سریع دست به کار بشود و نیروهای خود را بسیج نماید تا بطور معجزه آسایی پول را از حساب های نامرئی و نجومی اش بیرون بکشد و چندرغاز حقوقی کارگران را بدون هیچگونه مزایایی به حساب کارگران این سرزمین بی لبخند واریز بنماید. نشستن بر سر کار و اعتراض نسبت به حقوق کم خود به دل کارفرماها خوش نیست و خشم و بغض آنها چند برابر می شود و احساس ترس بسیار می نمایند؛ چرا که بدینگونه کارگران سیستم چپاولگری آنان را به چالش تمام کشانیده اند. با سپاس فراوان..

(وارتان خرم‌دین، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
ایران.. ۱۳۹۷/۴/۸)

سرنوشت «ارج» در انتظار کارخانه «بیک»؟

دولت هنوز بعد از این همه سال علاوه بر اینکه نتوانست قفل صنایع کشور را باز کند بلکه به راحتی فرمان توقف برخی از چرخ‌های صنعت را صادر کرده است. این روزها باتوجه به وضعیت رکود اقتصادی، کارخانه‌هایی که روزانه با چندین خط تولید، کالاهای مورد نیاز را تولید و صادرات می‌کردند، حال تنها با یک یا دو خط تولید مجبور به گذراندن معیشت خود و کارگران شده‌اند. این در حالی است که طی تصدی دولت‌های یازدهم و دوازدهم شاهد پایین کشیده شدن کرکره کارخانه‌هایی که نام‌هایشان بر سر زبان‌ها بود و همه آنها را می‌شناختند مثل ارج، داروگر، آزمایش، پارس‌الکترونیک، پلی‌اکریل اصفهان، کاشی ایرانا، ماشین‌سازی تبریز، دوچرخه‌سازی ایساک، قند ورامین، روغن‌نباتی قو، چیت‌سازی ری و ایران چوب و صدها کارخانه و بنگاه‌های کوچک و متوسط دیگر بوده‌ایم. این مساله نشان می‌دهد که نفس برخی کارخانه‌ها عملاً به شماره افتاده و باید برای نجات آنها فکری عاجل کرد، نه این که همچون سال‌های گذشته صرفاً به دادن وعده و وعید و ارائه آمارهای غیرواقعی از وضعیت اقتصاد کشور بسنده کرد. طی این پنج سال بیش از نیمی از کارخانه‌ها تعطیل یا به صورت نیمه‌تعطیل و با حداقل ظرفیت تولید به حیات خود ادامه می‌دهند. این در حالی است که روحانی در شرایطی توانست در ۲۴ خرداد ۹۲ و با رای ۵۱ درصد از شرکت‌کنندگان در انتخابات، رئیس دولت دوازدهم شود که وعده گشایش اقتصاد ایران را در ۱۰۰ روز داده و امیدوار بود که با توفیق در مذاکرات هسته‌ای وضعیت معیشتی مردم را بهبود بخشد. اما شرایط نامناسب امروز بسیاری از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی به گونه‌ای است که هرازگاهی خبری مبنی بر تعطیلی یا ورشکستگی یک واحد صنعتی و اعتراض کارگران آن نسبت به عدم پرداخت حقوقشان آن هم بعضاً برای چندین ماه متوالی، رسانه‌ای می‌شود. این روزها به دلیل گرانی ارز و کمبود مواد اولیه تولیدکنندگان به ناچار از تمام ظرفیت‌های تولیدی خود استفاده نمی‌کنند. آنان به دلیل عدم تضمین واردات مواد اولیه و کاهش نرخ ارز، استهلاک، وضعیت بازار، کمبود نقدینگی مجبور شدند با کاهش میزان تولید فقط شریان نبض تولید را حفظ کنند. به گفته برخی دیگر از تولیدکنندگان به دلیل مالیات‌های سنگین و مشکلات بیمه و همچنین تامین مواد اولیه ناگزیر در پشت درهای بسته مراکز تولیدی خود مشغول فعالیت آن هم با ظرفیت بسیار پایین هستند. این روزها احتمال تعطیلی کارخانه بیک نیز خبرساز شده است ولی طبق روال در ابتدا و قبل از اعلام رسمی مدیریت کارخانه این موضوع را تکذیب کرده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات بالا رفتن ارز برای زحمتکشان

در ماه‌های اخیر بالا رفتن ارز، به کمتر شدن قدرت خرید زحمتکشان منجر شد. اگر کارگران در سال ۹۶ با دستمزد ۹۳۰ هزار تومانی و دلار ۳۸۰۰ تومانی دستمزدشان ۲۴۵ دلار بود امروز با دستمزد ۱ میلیون ۱۳۰ هزار تومانی و دلار ۸۰۰۰ تومانی به ۱۴۰ دلار تنزل یافته است. امروز در میان کارگران این اصطلاح دهان به دهان می چرخد که: «به ریال کار می کنیم، به دلار خرج می کنیم» آیا این عبارت صحیح نیست؟

بخش بزرگی از قیمت کالاها به حمل و نقل بستگی دارد. وقتی دلار افزایش می باید لاستیک، روغن، تعمیرات.... به سرعت با نرخ ارز افزایش می یابند. هر کالایی هرچه به مواد اولیه ای که از خارج وارد می شود وابسته باشد قیمتش به نرخ ارز محاسبه و عرضه می گردد.

زحمتکشان باید بدانند که شاید محصولاتی مانند روغن خوراکی، لبنیات، نان، به ظاهر افزایش قیمت نداشته اند اما هر روز از حجم و کیفیت محصولات کاسته می شود. برای نمونه روغن ۹۵۰ گرمی در بسته های ۸۶۰ گرمی توزیع می شود. این کم فروشی پنهان در حقیقت افزایش قیمت را به همراه داشته است. قرص نان کوچکتر شده و از کیفیتش کاسته شده است. هندوانه کیلویی ۲۵۰۰ تومان، شکر کیلویی ۳۵۰۰ تومان، تخم مرغ دانه ای ۶۰۰ تومان، گوشت ۶۵ هزار تومان، مرغ کیلویی ۱۲ هزار تومان در حال حاضر عرضه می شود.

اگر کارگری این قدر خوشبخت باشد که کارفرمایش حقوق وزارت کار را رعایت کرده و همراه هم به موقع دستمزدش را پرداخت کند چگونه می تواند با این قیمت های دوبرابر شده از سال گذشته تا به امروز زندگی یک خانواده ۴ نفره را اداره کند؟؟

راستی وزیر کار با این حقوق مصوب چند روز می تواند زندگی کند که کارگران را محکوم به زندگی یکماهه کرده است؟

فروپاشی اقتصادی و طبقات ویرانگر آن

متأسفانه از چند ماه اخیر تا کنون، اقتصاد ایران در حال سقوط و آشفتگی بسر میبرد. کاهش مداوم و روزانه ی ارزش ریال پول ملی، افزایش تورم لجام گسیخته بطوریکه تورم گاها ساعتی در حال افزایش است و مانند اسب چموش و سرکش، گرانی افسار بریده و کسی هم یارای مهار آن نیست. افزایش قیمت طلا و سایر قیمتها در تمامی کالاها و خدمات در حال تشدید است، بطوریکه انسان را به یاد بحران اقتصادی آلمان بعد از جنگ جهانی اول و در سالهای ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۳ می اندازد. این بحران که با خروج آمریکان از برجام، روند خیلی شتابانی گرفته است همه ی مردم را در بهت و هراس فراوانی قرار داده است و هیچکس بدرستی نمی داند که چه چیزی در انتظار ماست اسف انگیزتر اینکه تجویزها و درمانهایی که برای این آشفتگی صادر شده است ویا میشود، انقدر ناکارآمد، ضعیف، غیرواقع و اشتباه میباشد که تاکنون بجای هم نرسیده است. مانند دلار ۴۲۰۰ هزارتومانی جهانگیری، استفاده از قوه ی قهریه برای تثبیت قیمت دلار، ویا مثل تصمیم امروز دولت که باز هم آقای جهانگیری مامور اعلان آن گردید یعنی فروش نفت توسط بخش خصوصی، امری که قبلا در دولت احمدی نژاد امتحان گردید و هیچ ثمری بجز فساد و رانت گسترده بهمراه نداشته است می دانیم که هنوز بابک زنجانی دومیلیارد و ششصد میلیون یورویی که از پول نفت بالا کشیده است علیرغم زندان و حکم اعدام، پس نداده است معلوم نیست دولت بر چه مبنایی دوباره تصمیم گرفته است که راه رفته را دوباره بیازماید؟ شوربختانه اقتصاد ایران مانند درختیست که موریا نه فساد، اختلاس و رانت و غیره، آنرا در بر گرفته است و انچیزی که بیشتر از همه ی اینها ما را می ترساند اینست که هیچ پلنی برای خروج از این وضعیت مشاهده نمیشود و دولت بی کفایت روحانی، کاملاً واداده است. امروز بزرگترین قربانی شرایط بغرنج فعلی، طبقه کارگر و سایر اقشار فرودست جامعه است. کسانی که حقوق ناچیزشان را اگر به موقع هم بگیرند فاقد قدرت

خرید است. این تورم وحشتناک کمر ما کارگران را خورد کرده است امروز بیش از پیش رسیدن به یک زندگی شایسته و انسانی، دور و غیر واقع بنظر می رسد و گرنه افاضاده ها و سرمایه داران و طبقه مرفه نشین، با تبدیل اموال خود به دلار و یا طلا، به ارزش دارایی هایشان چندین برابر هم افزودند و یا با سرمایه گذاری در کشورهای دیگر، هیچگونه اسیبی نخواهند دید. اما برای زحمتکشان که هزاران درد و رنج دارند شرایط مذکور غیرقابل تحمل و غیرقابل قبولست. ما حق داریم که صاحب یک زندگی خوب و شرافتمندانه با حداقل استاندارد جهانی باشیم. ما از فقر خسته شده ایم. ما از این همه حوادث ملال آور و واضطراب آور که پیرامون زندگیمان قرار دارد خسته شده ایم. ما از این همه تهدید، بی فردایی و ناامیدی خسته شده ایم. از جنبه کوتاه مدت و فوری ما خواهان آن هستیم تا در شرایط سخت و دشوار فعلی، کمیته دستمزد با توجه به میزان تورم اقتصاد، هر سه ماه تشکیل شود و با حضور نمایندگان واقعی طبقه کارگر، نسبت به افزایش دوباره حقوق کارگران تعیین تکلیف شود. کارگران برای اینکه بتوانند از زندگی خود صیانت کنند باید از یک طرف، حق قانونی اعتصاب داشته باشند و هم با ایجاد سندیکا‌های مستقل کارگری بتوانند از خود در برابر هر تهدیدی دفاع کنند. جامعه روبه اشفتگی می‌رود و ما بیش از گذشته در معرض انواع تهدید قرار داریم و کاملاً اسیب پذیر و بی دفاع هستیم. اتحاد تمامی کارگران، تنها چاره کارماست.

زنده باد اتحاد و همبستگی همه ی کارگران ایران و جهان

رضارخشان - فریدون نیکوفرد

اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۰ تیرماه ۱۳۹۷

آقای صدا و سیما! کارخانه کفش تن تاک کجاست؟



کفش های ساخت چین با نام تن تاک با نام محصول صد درصد ایرانی به مردم تبلیغ می شود. اما اصل ماجرا از این قرار است که کفش های تن تاک، کفش هایی چینی هستند که چندی قبل به تعداد بسیار زیاد وارد کشور شدند. واردکننده این کفش ها ابتدا تلاش کرد آن را با قیمت ۵۰ هزار تومان در امیریه به فروش برساند، اما موفق نشد، سپس با تبلیغات تلویزیونی موفق شد تمامی کفش های خود را با بیش از سه برابر قیمت یعنی ۱۸۸ هزار تومان! بفروشد.

اما سؤالی که پیش می آید، این است که آیا صدا و سیما نسبت به محصولاتی که تبلیغ می کند، کوچک ترین تحقیقی می کند؟ طبعاً خود مسئولان صدا و سیما نیز واقف هستند که مردم به واسطه مشاهده هر تبلیغی در این رسانه به آن اعتماد می کنند و آن محصول را واجد حداقل های کیفیت می پندارند. اگر هم به کیفیت خوب این محصولات صرفاً به خاطر تبلیغات رسانه ملی اعتماد نکنند، حداقل گمان می کنند صدا و سیما از ارگان های ذی ربط مثل وزارت بازرگانی و وزارت بهداشت استعلام می کند تا ببیند آیا آن محصول مجوز تولید و توزیع دارد یا نه.

اما به نظر می رسد صدا و سیما از همین حداقل ها نیز چشم پوشی می کند و هر کسی هر تبلیغی به این رسانه ملی! می برد، آن را تبلیغ می کند.

چندی قبل نیز در رسانه ها نسبت به تبلیغات کرم و محصولات حلزون نقد شده بود و در خصوص مضرات آن هشدار داده بودند؛ به این ترتیب رسانه ها با پیگیری های خود متوجه شدند کرم حلزون نیز مجوز وزارت بهداشت را ندارد. ظاهراً کسب درآمد برای صدا و سیما مهمتر از تولید داخلی و سلامت مردم است که محصولات را بدون کوچکترین تحقیقی تبلیغ می کنند.

اگر در اینترنت جستجو کنید هیچ ادیسی نمی یابید و همچنین از ۱۱۸ هم بپرسید هیچ اطلاعی از کارخانه و فروشگاههای روی زمین این محصول وجود خارجی نمی یابید.

آقایان صدا و سیما! تحقیق کنید: کارخانه کفش تن تاک کجاست؟ چرا محصولات داخلی ایران با قیمت هایی ارزان و کیفیتی بسیار مطلوب تر در مغازه ها باقی مانده، اما کفش تن تاک با واسطه تبلیغات شما به راحتی به فروش می رسد؟ بهتر نیست به حداقل وظیفه خود در امر اطلاع رسانی عمل کنید؟

تحریریه پیام سندیکا

حضور زنان در رهبری سندیکاهای کارگری و پذیرش مسوولیت های سندیکایی به معنای اقبال زنان کارگر از سندیکاهاست و این یعنی اعضای بیشتر برای سندیکاهای کارگری و قدرتمندی هرچه بیشتر سندیکاها و جنبش کارگری ایران



ILNA

Photo: Received

"گرانی" غبارِ جیبِ زحمتکشان را هم جارو کرده دولت بر درآمدِ دلالت مالیات ببندد

ناصر آقاجری با انتقاد از واردات بی‌رویه با ارز دولتی و تاکید بیشتر بر خصوصی‌سازی می‌گوید: در این شرایط بحرانی بهتر است از خود نئولیبرال‌ها درس بگیرند و درهای اقتصاد را به روی کالاهای بی‌کیفیت خارجی ببندند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، این روزها همه جا صحبت از «بحران» است؛ بحران آب، بحران محیط زیست، بحران ارز و از همه مهم‌تر بحران معیشت مردم. در این فضای بحرانی، برون‌رفت از اوضاع نابسامان، نیازمند تدبیر جدی‌ست؛ تدبیری که بتواند مشکلات را در راستای «منافع عموم» به سرانجام برساند؛ اما به نظر نمی‌رسد راهکارهایی مثل کوبیدن بیش از پیش

بر طبل خصوصی‌سازی یا واردات کالاهای لوکس و غیرضروری با ارز دولتی بتواند در حل این بحران‌ها کمک کند.

ناصر آقاجری (سخنگوی اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای ایران) با اشاره به مشکلاتی که گریبانگیر عموم مردم شده، می‌گوید: اتفاقاتی که افتاده محصول سال‌ها بی‌توجهی‌ست. برای دهه‌های متوالی؛ مردم هشدارهای دلسوزان را جدی نگرفتند و حالا به بحران رسیده‌ایم. بحران‌های اجتماعی - اقتصادی و بحران جدی در وضعیت محیط زیست و آب در ایران، نتوانسته دولت را از راه و مناسبات اقتصادی تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی منصرف کند. پس از ناتوانی دولت در کنترل منابع ارزی و فاجعه سقوط آزاد قدرت خرید ناچیز مردم و صعود درآمد دلالان و رانتخواران که از این وضعیت منتفع می‌شوند، مسئولان باز هم درباره دفاع از تولید ملی و حمایت از زحمتکشان، شعارهای رنگارنگ سر می‌دهند، اما خودشان هم می‌دانند که در این اوضاع، این حرف‌ها فقط در حد شعار باقی خواهد ماند؛ متأسفانه باز هم واکنش‌ها نشان‌دهنده‌ی برخورد ناصحیح و غیراصولی‌ست.

دعوت به خصوصی‌سازی بیشتر، نگران‌کننده است

آقاجری «واکنش‌های مسئولان» در قبال بحران جاری را مورد انتقاد قرار می‌دهد: دعوت رییس جمهور از بخش خصوصی برای همکاری با دولت برای خصوصی‌سازی بیشتر، در این اوضاع، به شدت نگران‌کننده است. به زعم ایشان، با این شیوه عملکرد، می‌توان بحران را مهار کرد. گویی در این سی سال اخیر، تمام دولت‌های پس از جنگ کاری به جز واگذاری نامناسب و بدون ضوابط منابع ملی داشته‌اند. گویا نمی‌دانند خصوصی‌سازی در این سی سال پس از جنگ، یکی از علل وضعیت رقت‌بار امروز ماست.

او معتقد است: در این شرایط بحرانی، فقط قصد سخت‌تر کردن شرایط برای مردم را دارند و می‌خواهند باز هم از جیب خالی مردم، مشکلات را حل کنند.

گرانی در گلوگاه‌های تجارت، گلوی مردم را خواهد فشرد

آقاجری در ادامه می‌گوید: ۲۶ اردیبهشت ۹۷ اخبار ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه شبکه ۵ تلویزیون، افزایش ۳۰ درصدی عوارض راه‌های کشور را اعلام نمود بدون توجه به اینکه این گرانی در گلوگاه‌های تجارت کشور، باعث گرانی همه کالاها در سطح کشور خواهد شد و گلوی مردم را خواهد فشرد. اعلام افزایش ۷ درصدی عوارض آب و فاضلاب توسط همان منبع خبری اعلام شد. پیش از آن نیز نرخ مترو، اتوبوس و تاکسی گران شده بود؛ این گرانی‌ها نشانه چیست؟ آیا به راستی نشانه تدبیر و درایت مسئولان است؟ دولتی که در این شرایط با گرانی در گرانی حتی غبار جیب زحمتکشان را هم به تاراج می‌برد آیا قادر به جلب اعتماد عمومی‌ست و می‌تواند ورق را به نفع مردم برگرداند؟

به گفته‌ی آقاجری مردمی که در چنین شرایط سختی به سر می‌برند، باز هم تحت فشار قرار می‌گیرند: نوبخت می‌گوید: "کسانی که ارز و طلا در خانه دارند، تزریق کنند تا به تولید کمک شود" این حرف‌ها یا نشانه ناآگاهی است یا تجاehl می‌کند؛ اگر مردم این منابع مالی را در اختیار داشتند که کارد به استخوان‌شان نمی‌رسید؛ آقایان مسئول بهتر است به جای استمداد از مردم کارد به استخوان رسیده بر درآمد دلالتان و واردکنندگان، مالیات ببندند و بار این فجایع اقتصادی را به دوش مردم نیندازند؛ بهتر است تجارت خارجی را ملی اعلام نمایند تا مانع ورود کالاها ی غیر ضرور به کشور شوند؛ طبق معمول دوران حاکمیت الیگارشی دلالتی؛ علت‌های اصلی را رها کرده‌اند و همچنان با سخنان خوش آب و رنگ، آدرس نادرست به جامعه می‌دهند.

از خودِ نولیبِرال‌ها درس بگیرید!

او خطاب به مسئولان می‌گوید از همین کشورهای اروپایی و آمریکا که خودشان پدر لیبرالیسم اقتصادی هستند، درس بگیرید؛ این جماعت نمی‌خواهند ببینند چگونه بخشی از سرمایه‌داران آمریکایی، تعرفه بر کالاهای وارداتی بسته‌اند! این حرکت ناشی از دیوانگی یک رییس جمهور نیست، بلکه، واقعیتی است در پاسخگویی به یک نیاز و یک ضرورت اقتصادی سرمایه‌داری داخلی آمریکا؛ بزرگترین اقتصاد جهان که خود بنیانگذار این مناسبات نولیبِرالی بوده است، اینگونه بدان پاسخ می‌دهد اما جای تاسف بسیار است که ما همچنان به واردات غیرضرور و آزادانه توسط یکسری از خواص رانتخوار ادامه می‌دهیم و با این روند، مقابله‌ی جدی نمی‌شود. حداقل از همین نولیبِرال‌ها درس بگیرند و نگذارند این چنین، بی‌رویه کالاهای غیرضرور وارد شود، آنهم با ارز دولتی.

آیا تدبیر، تحمیل گرانی بر گرده‌ی مردم زحمتکش است!؟

آقاجری ادامه می‌دهد: در چنین اوضاعی بهتر است شرح حال را از زبان یکی از نمایندگان مجلس بشنویم؛ سیدجواد ساداتی نژاد نماینده مردم کاشان: "فضای کارگری کاشان اورژانسی شده است. اگر به وضع آنها رسیدگی نشود، همه در آستانه تعطیلی پیش می‌رود. شش هزار کارگر کاشان و دوهزار تولیدکننده ریسندگی و بافندگی در این منطقه در انتظار رسیدگی به مشکلاتشان و رفع تعطیلی کارخانجات خود هستند." حالا باید از آقایان وزرا و کاربدستان پرسید آیا تدبیری که برای حل این شرایط اورژانسی در پیش گرفته‌اید، همین خصوصی‌سازی‌ها است؛ همین باز کردن درهای کشور به روی کالاهای بنجل و دست چندم خارجی‌ست؛ همین تحمیل گرانی و تورم بر گرده‌ی مردم زحمتکش!؟

این فعال کارگری در انتهای بحث به جمع‌بندی می‌پردازد: هر سال دولت طبق اصول نگرش تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی، قیمت همه خدمات و کالاهای اصلی را بالا می‌برد و برای منتفع شدن خواص، "شوک درمانی" نولیبرالی را با بازی با نرخ ارز کاربردی می‌کند تا قدرت خرید مردم را پایین بیاورد. از سوی دیگر با سیاست‌های ضدآبخیز داری، از محیط زیست و کشتزارهای خرم ایران تنها بیابان‌های شوره‌زار به جای گذاشته شده تا کشاورز ایرانی حتی قادر به تولید گندم و نان خود هم نباشد و کشور نیازمند واردات جو و گندم و برنج باشد. انگار همه امکانات مالی کشور به سپر مدافع الیگارشی دلالان تبدیل شده که جامعه را آن چنان غارت کنند که دیگر برای مردم رمقی باقی نماند. مردم و طبقات فرودست‌تر نیز برای خروج از این اوضاع نه تنها هیچ دستاویز و راهکاری ندارند، بلکه حتی بلندگویی در درون ساختارهای تصمیم‌گیرنده ندارند و لذا صدایشان هیچ‌کجا شنیده نمی‌شود؛ مگر اینکه به کوچه و خیابان بروید؛ به کارخانه‌ها و کارگاه‌ها سرزنید و پای درد دل‌ها و مصائب ناتمام این مردم بنشینید تا دریابید که سنگ‌هایی که کج گذاشته‌اند دارد تا ثریا کج می‌رود.....

گفتگو: نسرين هزاره مقدم

سندیکاهای کارگری ، حق زنان را برای کسب حقوق برابر در محیط های کارگری به عنوان اصلی ترین حق زنان کارگر به رسمیت می شناسند

برابری برای زنان و مردان کارگر، این است شعار سندیکاهای کارگری ایران و جهان

نفس کشیدن کارکنان صنعت نفت در عسلویه ممنوع شد!

همزمان با برگزاری آزمون استخدامی وزارت نفت، انتقادهای بر سر شرایط سخت برگزاری آزمون استخدامی بالا گرفته و در این بین لحن نقد فارغ التحصیلان دانشگاهی تندتر است، اما پرسش اینجاست که آیا دانشجویان و فارغ التحصیلان می‌دانند پس از قبولی باید برای خدمت و زندگی کجا پا بگذارند؟ از شرایط ساخت کار کردن در مناطق نفت‌خیز جنوب، دکل حفاری، سکوهای نفت و گاز، عسلویه، ماهشهر، مراکز انتقال و ایستگاه‌های گاز خبر دارند؟ علاقه مندان به استخدام در صنعت نفت و پتروشیمی کشور اطلاع دارند که باید برای دست کم ۱۰ سال جوانی شیرین خود را صرف خدمت در مناطق عملیاتی صنعت نفتی بکنند که اکثراً به انواع آلاینده‌ها آلوده هستند؟ در این بین اگر تاسیسات بهره برداری، سکوهای نفت و گاز خلیج فارس و پالایشگاه‌ها آلوده باشند اما جمع شدن تمامی این تاسیسات در هاب‌هایی به نام عسلویه و ماهشهر یعنی باید بعد از ۱۰ سال کار با بدن سالم خداحافظی کرد و این درحالی است که در صنعت نفت متناسب با از دست دادن این متاع گرانبها حقوق و دستمزد هم نمی‌دهند.

حالا با این تفاسیر باید این روزها برای سلامتی «سعید باغبانی» سرپرست HSE شرکت ملی صنایع پتروشیمی دست به دعا برداریم که با شجاعت و جسارتی تاریخی اقدام به انتشار نامه‌ای کرده و نسبت به وجود آلاینده‌های خطرناک که بعد از ۱۰ سال کار کردن در عسلویه، فقط سرطان را به کارکنان مظلوم و نگون بخت صنعت نفت، گاز و پتروشیمی کشور هدیه می‌کند، هشدار داده است. سرپرست HSE صنایع پتروشیمی با ارسال نامه‌ای به مدیران عامل حدود ۳۵ شرکت پتروشیمی مستقر در عسلویه، نوشته است: «بعد از سه سال آزمایش، مطالعه و نمونه برداری مستمر درباره کم و کیف آلاینده‌های موجود در عسلویه به جمع بندی دست یافته‌ایم. در این مدت ۲۰

آلاینده خطرناک شامل تولوئن، اتیل بنزن، زایلین، استایرن، متانول، بوتادین، آمونیاک و از همه خطرناکتر «بنزن» شناسایی شده که عامل سرطان است.»

در ادامه این نامه خیرخواهانه و انسان دوستانه شرکت ملی صنایع پتروشیمی خطاب به مدیران پتروشیمی‌ها، نوشته شده است: «با افزایش سن و سابقه کارکنان، فرسودگی تجهیزات، راه اندازی طرح‌های جدید پتروشیمی و پالایشگاه‌های پارس جنوبی و کاهش قدرت بازسازی بدون کارکنان با بالا رفتن سن آنها عملن همه کارکنان، مدیران و مسئولان شاغل در عسلویه با ریسک انواع بیماری‌های خطرناک روبرو خواهند شد.» این مقام مسئول با اشاره به احتمال تغییرات در پارامترهای خونی، کبد و کلیوی، تاکید کرده است: «سموم، آلاینده‌ها و بنزن در تمامی مناطق سکونت، کمپ‌ها، کربدورها و محل خدمت کارکنان مشاهده شده و باید نسبت به تغییر و جابه‌جایی کمپ‌ها اقدام شود.» سرپرست HSE صنایع پتروشیمی همچنین خواستار تغییر شیفت خدمتی کارکنان شده و یادآور شده است: «مدیران باید نسبت به شیفت فعالیت اقماری از ۱-۲ به ۱-۱ یا ۲-۲ اقدام کنند که بدن کارکنان توان بازسازی را داشته باشد.» روی دیده نشده این نامه خیرخواهانه آن است که همه در عسلویه از پالایشگاه گاز تا واحدهای پتروشیمی کار می‌کنند تا خانواده‌ها آسوده باشند و حالا خانواده‌هایی که از روی اجبار در حومه عسلویه از کنگان، جم (شهرک پتروشیمی پردیس جم) و سکونت می‌کنند باید در کنار مشکلات ریز و درشت نبود امکانات با بنزن هم پنجه در پنجه شوند.

دوستان فارغ التحصیل استخدام در صنعت نفت خوب است، بیکاری امان همه ما را بریده اما باور کنید کارکنان صنایع پتروشیمی، نفت و گاز شاغل در عسلویه و حتی ماهشهر حقوق نمی‌گیرند، این مظلومان جامعه کشور که باور عمومی بر این است که نفت و صنعت نفت نام پرآوازه‌ای است، از حضور در صنعت نفت صرفاً نام پرآوازه‌ای را در ظاهر یدک می‌کشند که در باطن کمتر کسی می‌داند که این عزیزان بابت کارشان حقوق نمی‌گیرند پول خون می‌گیرند .

اخلاق و اقتصاد

هر جامعه ای اخلاقش انعکاسی است از روابط اجتماعی و اقتصادی جاری در جامعه آن سرزمین. در کشوری چون ما که روابط اقتصادیش بر مبنای دلالی، دزدی و اختلاس است نمی توان جامعه ای پاکیزه داشت. چون در برابر هر کار مثبتی که مردم انجام می دهند جواب شایسته ای از جامعه و مدیریت کلان دریافت نمی کنند، لذا یاد می گیرند که کار درست فایده و عاقبتی ندارد. خوبی کردن، رعایت کردن حقوق دیگران، منصف بودن، جبران خوبی های دیگران، احترام گذاشتن، توانایی های دیگران را ارزش نهادن، انجام وظیفه نسبت به جامعه و دیگر انسان ها، رعایت حریم شخصی افراد، سر موقع آمدن و رفتن، پول قرض دادن همگی به نوعی ضد ارزش می گردد. در روابط اقتصادی حاکم بر کشور، ارزش هر چیزی را پول تعیین می کند و منجر به این شده که انسانها در چنین جامعه ای یاد بگیرند که تنها خود را ببینند و برای موفقیت خود فردگرا، و منزوی بشوند. چون خودخواهی و خودپرستی را جامعه پول محور به انسانها تزریق می کند. نه تنها انسانیت رشد نمی کند بلکه علم و دانش نیز تحت تاثیر «هرکسی بیشتر خرج کند می تواند مراتب علمی را طی کند» باعث بوجود آمدن تک ستاره هایی خواهد شد که به هیچوجه نمی تواند نشانگر رشد علم و دانش باشد.

حذف و انحصار جزیی از اخلاق جامعهدلال پرور شده و برای حصول به این منظور، افراد جامعه چه در سطوح مدیریتی کلان کشور و چه در بدنه جامعه به دور زدن قانون مشغول می شوند. مدیریت کلان با اختلاس، عدم پذیرش شایسته سالاری و باند بازی و عموم مردم هم با رعایت نکردن چراغ قرمز، پارتی بازی، کم کاری و زیرآب زنی، در نهایت نقض قانون به بی قانونی دامن می زنند. نتیجه تاریخی اینگونه عملکرد را ما در حکومت محمدرضا شاه دیدیم. او از پدرش نیاموخت که مدیریت یک کشور نمی تواند یک نفره باشد. جمعی فکر و عمل نکرد و آنقدر به حذف و انحصار ادامه داد و در نهایت با انبوهی از مسایل پیش پا افتاده روبرو شد و نتوانست به نفع مردم و حکومتش مشکلات اجتماعی را حل کند. در چنین جوامعی جمع گرایی و خرد جمعی شکل نمی گیرد. تجربیات منتقل نمی شود و گروههای اجتماعی که می خواهند فعالیت اجتماعی و صنفی و سیاسی کنند مرتب اشتباهات گذشتگان تکرار می کنند، چون افراد حاضر نیستند بر آنچه دیگری انجام داده صحنه گذاشته و آجر بر روی آجر های گذشته بگذارند. این گونه جامعه ها قهرمان پرور و عاری از احزاب سیاسی و انجمن های صنفی قوی و در یک کلام کارهای گروهی خواهد بود.

مردم با کم کاری و نقض قانون به دزدان و حاکمان اجازه می دهند بیشتر به دزدی مشغول شوند و تا فروپاشی اجتماع، بر آنان مسلط باشند.

تحریریه پیام سندیکا

گزارشی از نشست سازمان جهانی کار در ژنو

هیات‌مدیره سازمان بین‌المللی کار، متشکل از نمایندگان دولت‌ها، تشکل‌های کارفرمایی و اتحادیه‌های کارگری است. توازن قوا در این هیات‌مدیره بر اساس ترکیب تشکل‌های این نهاد تعیین می‌شود و تابعی است از وضعیت جهانی و میزان نفوذ دولت‌ها، کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری. در یک دهه اخیر و همراه با اجرای سیاست‌های نولیبرالی و به‌موازات آن تضعیف جنبش جهانی سندیکاهای زحمتکشان و به‌طور کلی سندیکاهای کارگری در حیات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف، بر میزان نفوذ و تأثیر دولت‌ها و کارفرمایان در این نهاد و دیگر نهادها افزوده شده است. انتخاب جمهوری اسلامی در سه دوره اخیر در مقام عضو هیات‌مدیره این نهاد، مثالی گویا در زمینه نفوذ و تأثیر دولت‌ها در این نهاد است. امسال وزیر کار، در این نشست حضور داشت و در سخنانی در مجمع عمومی نشست سازمان بین‌المللی کار، از مبارزه با فقر و غیره به دروغ‌پردازی پرداخت. او همچنین به افزایش ۵۰ درصدی تعداد "تشکل‌های کارگری" در دولت روحانی اشاره کرد. وزیر کار، در عین حال، از بهبود وضعیت اشتغال زنان کارگر و کارمندی سالیان گذشته گفت. به گزارش خبرگزاری‌های مختلف، ربیعی در حاشیه صد و هفتمین نشست سازمان بین‌المللی کار، با خانم شارون بارو- دبیرکل کنفدراسیون بین‌المللی اتحادیه‌های کارگری ("آی تی یو سی")- دیدار و درمورد همکاری‌های آینده جمهوری اسلامی با این کنفدراسیون و نیز بازدید هیاتی از تهران به رایزنی پرداخت.

گرچه جمهوری اسلامی مقوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار در ارتباط با "ازادی سندیکاها و حمایت از حقوق سندیکایی" و "حق تشکل و مذاکره دسته‌جمعی" را امضا نکرده است، برای سه دوره متوالی به‌عنوان عضو اصلی هیئت‌مدیره سازمان بین‌المللی کار انتخاب شده است.

به‌هرروی، احیای حقوق سندیکایی و تأمین حق انکارناپذیر زحمتکشان ما برای برپایی تشکل‌های مستقل خود، همواره در اولویت جنبش سندیکایی موجود میهن ما قرار داشته است.

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

معلم دیکته می گفت : بابا آب داد

دانش آموز نوشت : بابا پول قبض آب را نداشت، آب قطع شد.

معلم : بابا نان داد

و دانش آموز با چشمی پر اشک نوشت : بابا برای نان، جان داد.

معلم گفت : تصمیم کبری در مورد وسایلش چه بود ؟

شاگرد نوشت: کبری کتابش را زیر باران گذاشت و سرچارراه مشغول مواد فروشی شد...

معلم گفت : آن مرد با اسب آمد

شاگرد نوشت: ولی آن مرد از فرط اعتیاد نمیتوانست گام بردارد.

معلم گفت : مادر آش می پزد.

شاگرد : ولی مادر با اشک چشمش به سیب زمینهای پخته طعم شوری میداد.

معلم گفت : مهمان سرزده شاگرد: کوکب خانوم سالها بود کلفتی زن حاجی را میکرد تا هر سال افتخارش حاجیه شدن باشد و زن تن فروش همسایه را برای لقمه ای نان سرزنش کند.

دانش آموز دفتر را بست. کتابش را فروخت. مدرسه را برای همیشه ترک کرد ، چون به او "دروغ" را یاد می دادند....!!!!

ایمنی در کار، یعنی کیفیت دستمزد

در قانون کار و هم در قانون تامین اجتماعی راه های فرار از به رسمیت شناختن حوادث کار پیش بینی شده مثلاً در بخشی از قانون تامین اجتماعی می خوانیم: «صدها حادثه حین انجام وظیفه به وقوع می پیوندد، ولی به علت فقدان عامل سببیت، حالت ناشی از کار بودن را از دست می دهد نظیر حادثه بیمه شده ای که حین کار به شوخی کردن با دوستان همکار خود مبادرت می ورزد و غفلتاً دچار حادثه می شود، یا بیمه شده ای که در حین کار به دلیل عدم رعایت نکات ایمنی و حفاظتی، انفارکتوس یا عوارض مشابه در کارگاه فوت می نماید و یا راننده ای که در هنگام خواب در کابین کامیون دچار گازگرفتگی ناشی از روشن کردن گاز پیک نیک (مسافرتی) می گردد و ... به طور کلی وقتی رابطه سببیت کار احراز نگردید حادثه، ویژگی حادثه ناشی از کار را پیدا نمی کند».

در رابطه با مدارک مورد نیاز در مورد بررسی حوادث ساختمانی و کارگاهی اتباع بیگانه می خوانیم: «جهت بررسی حوادث اتباع بیگانه علاوه بر اخذ مدارک مذکور در فصل اول مجوز اشتغال بکار فرد حادثه دیده نیز اخذ خواهد شد و می بایست اطلاعات مندرج در آن (نوع کار، محل اشتغال و مدت اعتبار پروانه کار) در بررسی حادثه مدنظر قرار گیرد. در صورت عدم انطباق وضعیت اشتغال به کار فرد حادثه دیده با مجوز اشتغال به کار موضوع بررسی حادثه منتفی خواهد بود».

و بدین سان سالانه بیش از هزار کارگر قربانی ناشی از حوادث کار داریم که به عنوان حادثه ی کار ثبت می شوند و هزاران مورد قربانی ثبت نشده داریم چرا که بخشی از کارگران از شمول قانون کار مستثنی شده و اساساً بیمه نیستند تا قانون حوادث کار آنان را به رسمیت بشناسد و ده ها هزار آسیب دیده که زندگی شان برای همیشه قربانی حوادث کار شده است.

اگر حوادث محیط کار جنایت علیه کارگران تلقی شده و کارفرمایان و مدیران متخلف به این اتهام محاکمه شوند. اگر اثبات قصور کارگران در حوادث، از روند رسیدگی حذف شود. اگر وقوع حادثه در محیط کار برای تشکیل پرونده و رسیدگی فوری و جبران خسارات وارده، کافی باشد و داشتن یا نداشتن بیمه و ایرانی یا مهاجر بودن، ملاکی برای رسیدگی و جبران خسارت نگردد می توان روزنه ی امیدی به آینده داشت.

مبانی اقتصاد سیاسی نوشته نیکی تین (۲۶)

شیوه تولید زمینداری

✓✓ نظام زمینداری با این یا آن گونه اوصاف ویژه، تقریباً در تمام کشورها وجود داشته است. دوره زمینداری زمانی بس طولانی را در بر می گیرد.

✓✓ در چین، نظام زمینداری بیش از دو هزار سال دوام آورد. در کشورهای اروپای غربی نظام زمینداری طی قرون متمادی از زوال امپراطوری روم (قرن پنجم) تا انقلاب بورژوازی در انگلستان (قرن هفدهم) و در فرانسه (قرن هجدهم) ادامه داشت. در روسیه نظام زمینداری از قرن نهم تا الغاء سرواژ در ۱۸۶۱ را در بر می گیرد.

✓✓ روابط تولیدی در جامعه زمینداری، بر مالکیت خصوصی ارضی اشراف زمیندار و حقوق ناقص آنان نسبت به سرف ها (زمین برده ها) متکی بود.

□◆ سرف برده نبود. سرف صاحب دارایی خود شناخته می شد.

✓✓ در جامعه ی زمینداری علاوه بر مالکیت اشراف زمیندار، مالکیت دهقانان و پیشه وران نیز وجود داشت که شامل افزار تولیدی و اموال خصوصی آن ها می شد.

✓✓ اقتصاد دهقانی جزء، و تولید به وسیله ی پیشه وران مستقل، و جزء متکی به کار شخصی آن ها بود.

○□✓ اصولاً تمام تولید دهقانی جنسی بود یعنی، بخش اصلی فراورده ها به منظور مصرف خانواده ها تولید می شد، نه برای مبادله. مالکیت ارضی وسیع فئودالی شالوده استثمار دهقانان به وسیله ملاکین بزرگ بود.

✓ بخشی از زمین اراضی مختص خود ارباب بود، بخش دیگر را وی با شرایط سخت و گزافی برای استفاده ی دهقانان اختصاص می داد .

✓ اجاره داری دهقانان راهی بود که ارباب زمین پیدا کرده بود تا به وسیله ی آن برای خود نیروی کار تامین کند .

✓ دهقان با استفاده از زمین استیجاری که به طور موروئی به تصرف او در می آمد، مجبور می شد برای ارباب زمین کار کند .

✓ دهقان یا با استفاده از آلات و افزار و چهار پایان خود، زمین ارباب را کشت کند (رانت کار یا حق بیگاری)، یا بخشی از تولید جنسی خود را به مالک زمین بدهد (رانت جنسی که از محصول پرداخت می گردید) و یا در مواردی این هر دو نوع رانت اراضی را بپردازد.

✓ نظام اقتصادی زمینداری نه تنها موجب پیدایش یک شکل آشکار و علنی استثمار شد، بلکه ضرورتاً دهقان را نیز وابسته ی شخصی ارباب ساخت .

□♦✓ در نظام اقتصادی زمینداری، ارباب زمین نمی توانست دهقانی را بکشد ولی می توانست او را بفروشد .

✓ اوقات کار سرف به دو بخش لازم و اضافی تقسیم شده بود. طی وقت وقت لازم دهقان فراورده هایی را که برای معاش خود و خانواده اش لازم بود تولید می کرد. طی وقت اضافی آن محصول اضافی را تولید می کرد که ارباب در قالب (رانت کار، رانت جنسی و رانت نقدی).

□♦✓ استثمار دهقانان به وسیله ی اشراف زمیندار به شکل رانت ارضی، کیفیت اصلی فنودالیزم در میان کلیه ی خلق ها بوده است .

پیدایش و تکامل حیات (۱۵)

✓ ممکن است رشته‌ی کربن‌ها منشعب شود یا آن‌که يك حلقه کربن با يك رشته کربن متصل گردد. نیز ممکن است این‌گونه "الگوهای کربن" در دو یا سه فضا توسعه یابند. چنین سازمان‌های کربن‌دار اسکلت‌هایی به وجود می‌آورند که ظرفیت‌های آزاد آن‌ها ممکن است به سایر اتم‌ها مانند هیدروژن و اکسیژن متصل شوند. بدیهی است ترکیباتی که در آن‌ها کربن‌ها به یکدیگر متصل هستند، هم از نظر تنوع و هم از نظر پیچیدگی فراوان خواهند بود. در واقع مواد کربن‌دار تنوع و پیچیدگی بیش‌تری از سایر مواد شیمیایی دارند. ناگفته نماند که دو مولکول کربن‌دار، اگر کوچک‌ترین تفاوتی در "اسکلت کربنی" خود داشته باشند، دو ماده‌ی کاملاً متفاوت خواهند بود و خواص شیمیایی متفاوت خواهند داشت.

❖ مواد کربن‌دار

✓ ساخته شدن مولکول‌هایی که چند کربن متصل به هم داشته‌اند، بر مبنای ترکیب متان یا موادی که با متان ترکیب شده بودند، یکی از اساسی‌ترین مرحله‌ی تاریخ تکامل ماده‌ی زنده است. در حال حاضر موادی که کربن‌های متصل به هم دارند، تقریباً به طور انحصاری در ماده‌ی زنده به وجود می‌آیند، یا از موادی نتیجه می‌شوند که زمانی زنده بوده‌اند. روی همین اصل است که این‌گونه مواد را موادآلی نام نهاده‌اند. آب و فلزات و کانیها که فاقد کربن‌های متصل به هم هستند، جهان غیرزنده را تشکیل می‌دهند ولی در ماده‌ی زنده نیز موجودند.

✓ از میان اقسام گوناگون موادآلی که در دریا‌های اولیه به وجود آمده‌اند پنج گروه هستند که در وقوع سوانح بعدی اهمیت فراوان داشته‌اند: گروه نخست موادآلی، مولکول‌هایی هستند که چند اتم کربن در آن‌ها به صورت رشته به هم

پیوسته‌اند. اتم‌های دیگر این ملکول‌ها هیدروژن و اکسیژن هستند که نسبت دو به یک دارند. این ملکول‌ها که به احتمال قوی از ترکیب متان و آب حاصل شده‌اند، گروه هیدرات‌های کربن نام دارند. معروف‌ترین آن‌ها قندها هستند. گلوکز، از قندهای بسیار مهم است؛ یک ملکول گلوکز شش کربن به صورت رشته و ۱۲ اتم هیدروژن و شش اتم اکسیژن متصل به کربن‌ها دارد. و فرمول آن $C_6H_{12}O_6$ است. همه‌ی قندها شش کربن ندارند بلکه بعضی از آن‌ها ۵ کربن و برخی بیش از ۶ کربن دارند.

✓ گروه دوم موادالی، شامل گلیسرین است. گلیسرین اسکلتی سه کربنی دارد. ۸ اتم هیدروژن و سه اتم اکسیژن به کربن‌های آن متصل هستند. فرمول اتمی گلیسرین $C_3H_8O_3$ است. گروه سوم موادالی، که منحصرن از کربن و هیدروژن و اکسیژن ساخته شده‌اند و کربن به صورت رشته‌ی درازی مرکب از دو، تا بیست و حتا بیش‌تر اتم کربن است، اسیدهای چرب هستند. در ملکول اسید چرب به همه‌ی کربن‌ها هیدروژن متصل است به استثنای کربن انتهای رشته که به آن دو اتم اکسیژن و یک اتم هیدروژن اتصال دارد.

✓ گروه چهارم موادالی، اسیدهای امینه هستند. اسکلت کربن اسیدهای امینه یک رشته یا یک حلقه است. از مشخصات این گروه وجود اتم نیتروژن به همراه اتم‌های کربن و اکسیژن و هیدروژن است. نیتروژن در اسیدهای امینه به صورت گروه امین است. مسلم است که گروه امین از آمونیاک و بدین طریق اشتقاق یافته است که یک اتم هیدروژن از آن خارج شده و به صورت NH_2 است. در هر اسید امینه یک گروه امین به اسکلت کربنی اتصال دارد.

گروه پنجم موادالی، شامل پورین‌ها Purins و پیریمیدین‌ها Pyrimidins است. اسکلت کربنی این دو دسته مواد همیشه حلقوی است. حلقه‌ی ابتدا از کربن‌ها ساخته شده است ولی چند اتم نیتروژن نیز در آن وارد است. پورین از دو حلقه متصل به هم و پیریمیدین از یک حلقه ساخته شده است.



هواپیمای ریاست جمهوری و تعداد ۳۵ ماشین مرسدس مخصوص وزرا را فروخت. و درآمد حاصله را به خزانه دولت واریز کرد. فروش و خصوصی سازی موسسات استراتژیک دولتی را ممنوع کرد. حقوق و دستمزد خود را به ۳۰ درصد کاهش داد تا با درآمد عمومی برابری کند! پاداش ها و سرویس های ویژه ی دیپلماتیک را لغو کرد !! برای کاهش هزینه ها، سفارتخانه ها، کنسولگری ها و نمایندگی های غیر ضروری کشور در خارج از کشور را بست! برای سفرهای دیپلماتیک بین المللی خود با خرید بلیط از پروازهای عمومی استفاده کرد! او به مردمش گفت: اگر از بانک جهانی وام نگیریم از گرسنگی نمی میریم و وام نگرفت. او گفت: "ما تنها به پروژه های سودآوری که درآمد خزانه دولتی را افزایش دهد می کنند، فکر می کنیم." مالیات افراد کم درآمد را لغو کرد! با فساد اداری در تمام سازمانهای دولتی مبارزه کرد. کشور خود را که به تازه گی از جنگهای داخلی بیرون آمده بود به یکی از کشورهای پایدار و موفق از نظر اقتصادی تبدیل کرد !!

برای تشویق تیم ملی فوتبال کشورش با هزینه ی شخصی و خرید بلیط عادی و نه فرست کلاس، و رزرو هتل به روسیه سفر کرد! به محض رسیدن به سوچی به استادیوم رفت اما در ابتدا در جایگاه ویژه نشست! با در دست داشتن بلیط مسابقه در بین طرفداران کروواسی روی صندلی معمولی نشست. بعد با آمدن مدودف و دعوت او به جایگاه ویژه رفت ! در طول مسابقه تیم ملی کشورش را تشویق کرد و در پایان مسابقه و پیروزی بر روسیه ی میزبان در نیمه نهایی به رختکن تیم کروواسی رفت و در شادی آنان شرکت کرد، موفقیت و پیروزی که ممکن است سالها دیگر اتفاق نیافتد.

آنچه نوشتیم در مورد کالیندا سی. رئیس جمهوری کشور کروواسی بود. رفتار ، منش و شخصیت او را با آقازاده های خودمان مقایسه کنیم!

سالگرد انسانی که بر بام جهان جاودانه شد



سالروز درگذشت «لیلا اسفندیاری» زن کوهنوردی که رکوردهای صعود متعددی را به عنوان نخستین زن کوهنورد ایرانی به ثبت رساند و سرانجام در بام جهان آرام گرفت.

هفت سال از رفتن لیلا اسفندیاری می‌گذرد. او اکنون طبق خواسته‌اش در بام جهان، آرامگاه ابدی‌اش آرمیده است. می‌توانست از حمایت دولت یا مردمش بهره‌مند باشد، ولی قهرمان‌ها دیر کشف می‌شوند. لیلاهای دیگری از شیوهی او درس خواهند گرفت، زنی که هرگز تسلیم نشد.



خانم کلاه سفید این لقبی است که کارگران به او داده اند.

بانوی شیرازی اولین زن ایرانیه که بعنوان جوشکار تو یکی از سایت‌های صنعتی بزرگ جنوب کشور کار میکنه!

خیلیا نمیخواستن اونجا بمونه ولی بخاطر کیفیت بالای کارش الان جوشکار ارشده! ایشون خانم حسینیان ناظر جوش هستن

گفت: احوالت چطور است؟

گفتمش: عالی ست

مثل حال گل!

حال گل در چنگ چنگیز مغول!

قیصر امین پور

